

روایتی از زندگی، خاطرات و فعالیت‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی به بهانه سالروز درگذشتش

از منبرهای کن تا کلاس‌های دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

جدید از او بازجویی می‌کند. همان ایام آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، حجت‌الاسلام لاهوتی و آیت‌الله طالقانی نیز بازداشت شدند و پس از مدتی مشخص شد افراد نامبرده در ارتباط با موضوع مشترکی قرار داشتند که عبارت بود از کمک مالی به زندانیان سیاسی و دادن پول به‌منظور تهیه اسلحه برای مبارزه با رژیم شاه. البته آیت‌الله کنی هیچ اقدامی برای تهیه اسلحه نکرده بود ولی در پرونده‌اش آن را ثبت کرده بودند و گفته می‌شود به همین علت، دو ماه در سلول انفرادی حبس بود و برای اینکه از او اقرار بگیرند، سخت شکنجه شد.

■ **روایتی از روزهای سخت زندان**

لحظه‌های سخت شکنجه را با یائتی از کلام خدا می‌گذراند و زیر لب تکرار می‌کرد: «و چون [طاوت و اهل ایمان] برای جنگ با جالوت و سیاهپانش ظاهر شدند، گفتند: پروردگارا! بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز و گام‌هایمان را استوار ساز و ما را بر گروه کافران پیروز گردان». در خاطراتی از آیت‌الله کنی در این خصوص نقل شده است: «از جمله شکنجه‌هایی که می‌کردند و بسیار دردناک و کشنده بود، آویزان کردن از سقف بود. چشم‌هایم را بسته و از دو دست از سقف آویزانم کرده بودند و با کابل می‌زدند و می‌چرخاندند. خون زیادی از پاهایم آمده بود. گاهی که پاهایم به زمین می‌رسید، احساس می‌کردم زیر پاهایم نرم است و پاهایم با چیزی نرم تماس می‌گیرد. بعدها فهمیدم چیز نرمی که پاهایم به آن می‌خورد، خون بوده که از دیگر شکنجه‌شده‌ها آنجا ریخته و روی هم انباشته شده و بسته است. در حالی [که از] سقف آویزان شده بودم و بازجو مرا می‌چرخاند و می‌زد، شمارش معکوس می‌داد و می‌گفت: چرا خودت را به کشتن می‌دهی؟ به زودی قلبت را از کار می‌اندازم. هر چه زودتر اقرار کن و خودت را از این گرفتاری نجات بده، ولی من در آن حال، این آیه شریفه را می‌خواندم: «رَبَّنَا افْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصِرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ». واقعاً این آیه به من آرامش می‌داد. به یاد دارم هنگامی که این آیه شریفه را تلاوت می‌کردم، فردی به نام اسدی که بازجوی من بود، می‌گفت: چی چی می‌گویی ربّنا ربّنا. گفتم با خدای خود هم حق ندارم صحبت کنم؟».

■ **هدفی مشترک به نام «نهضت امام خمینی(ره)»**

آیت‌الله مهدوی کنی دو سال بعد، از زندان آزاد شد. در آن زمان، روحانیون و علمای تهران که هدف مشترکی به نام «نهضت امام خمینی» داشتند برای هم‌فکری و همکاری، جلسات مشترکی برگزار می‌کردند. این جلسات که برای جلوگیری از اطلاع ساواک، هر از چندی در منزل یکی از اعضا برگزار می‌شد، نقطه آغاز فعالیتی بود که بعدها به «جامعه روحانیت مبارز» شهرت یافت. آیت‌الله مهدوی کنی در این باره می‌گفت: «ما در این جلسات، مسائل سیاسی و بعضی حرف‌هایی که قرار بود روی منبرها گفته شود را از قبل هماهنگ می‌کردیم. گاهی هم اطلاعیه‌ها، تلگراف‌ها و نامه‌ها را برای نشر و پخش، تنظیم می‌کردیم».

■ **از وزارت کشور تا نخست‌وزیری در روزهای پرآشوب**

آیت‌الله مهدوی کنی پس از انقلاب اسلامی، در شورای انقلاب، کمیته استقبال از امام خمینی(ره) و کمیته انقلاب اسلامی مسئولیت داشت؛ سپس وزیر کشور شد و در سال ۱۳۶۰، پس از شهادت محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر، برای مدتی کوتاه نخست‌وزیری را برعهده گرفت. مهدوی کنی در خاطراتی از انفجار دفتر نخست‌وزیری در هشتم شهریور ۱۳۶۰، گفته آن زمان وزیر کشور بوده و قرار بود در جلسه حضور پیدا کند. به گفته او، خستگی سبب شد چند دقیقه دیرتر راه بیفتد و هنگام حرکت، از طریق بی‌سیم خبر انفجار را دریافت کند. او از بازگشت به محل و دیدن آتش‌گرفتن اتاق جلسه یاد کرده و گفته ابتدا خبر انتقال رجایی و باهنر به بیمارستان را شنیدند، اما بعد شهادت آنان تأیید شد. آیت‌الله مهدوی کنی آن روز را برای مردم ایران بسیار دشوار توصیف کرده و از ایستادگی امام خمینی(ره) در آن روزهای پراننده به‌عنوان مایه دلگرمی مسئولان و مردم یاد می‌کرد.

آیت‌الله مهدوی کنی در سال‌های بعد نیز مسئولیت‌هایی چون عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و ریاست مجلس خبرگان رهبری را پذیرفت. این مسئولیت‌ها در کنار فعالیت آموزشی و حوزوی او قرار داشتند و بخش مهمی از زندگی‌اش را به امور عمومی کشور پیوند می‌دادند.

■ **مدرسه، مسجد و دانشگاه؛ سه میدان خدمت**

تدریس و تربیت طلبه و دانشجو از بخش‌های پیوسته زندگی آیت‌الله مهدوی کنی بود. او در مدرسه مروی درس می‌داد و در دانشگاه امام صادق(ع) نیز به تدریس فقه، آیات‌الاحکام، مباحث اقتصادی قرآن و اخلاق اسلامی می‌پرداخت. تأسیس و ریاست دانشگاه امام صادق(ع) را می‌توان مهم‌ترین کوشش نهادی او در پیوند دادن آموزش حوزوی و دانشگاهی دانست. همچنین تولیت مدرسه مروی و توجه به موقوفات آن، در کنار تربیت طلاب، از مسئولیت‌های مذهبی و آموزشی او بود. از آثار او می‌توان به «نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی»، «شرح دعای افتتاح»، «بیست گفتار» و «اصول و مبانی اقتصاد اسلامی در قرآن» اشاره کرد. مجموعه این فعالیت‌ها نشان می‌دهد وجه فرهنگی و مذهبی زندگی او تنها در منبر و امامت جماعت خلاصه نمی‌شد؛ تدریس، نگارش، پرورش نیروهای علمی و ایجاد نهاد آموزشی نیز جایگاه مهمی داشت. آیت‌الله مهدوی کنی در جامعه روحانیت مبارز تهران نیز نقشی محوری داشت. این تشکل در کنار فعالیت سیاسی، بستری برای گفت‌وگو و هماهنگی روحانیان و طرح مباحثی چون حکومت و اقتصاد اسلامی بود. مسجد، مدرسه و دانشگاه از زندگی آیت‌الله مهدوی کنی سه فضای به‌هم‌پیوسته برای آموزش و ارتباط با جامعه به شمار می‌آمدند.

■ **از خانه پدري تا آرامگاه عبدالعظیم(ع)**

آیت‌الله مهدوی کنی در ۱۴ خرداد ۱۳۹۳ دچار عارضه قلبی شد و پس از چند ماه، در ۲۹ مهر همان سال درگذشت. پیکرش پس از تشییع در دانشگاه تهران، بنا بر وصیتش در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) در جوار مزار ملاعلی کنی به خاک سپرده شد. در نگاهی کلی، خاطرات او از کودکی، خانواده و نخستین تجربه‌های منبر، تصویری از شکل‌گیری تدریجی یک روحانی معلم و کنشگر مذهبی ترسیم می‌کند. خانه و خانواده، حوزه و مسجد و سپس مدرسه و دانشگاه، حلقه‌های پیوسته مسیر او بودند. در کنار فعالیت سیاسی، تدریس، نگارش آثار دینی و اخلاقی و تربیت شاگردان، از مهم‌ترین میراث فرهنگی و مذهبی او به شمار می‌آیند.



آیات عظام عباس واعظ طبسی، محمد امامی کاشانی، محمدرضا مهدوی کنی، احمد آذری قمی، ابوالحسن شیرازی

■ **حمیده خلیل‌زاده** از منبرهای کوچک کن تا کلاس‌های مدرسه مروی و دانشگاه امام صادق(ع)، زندگی آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی با آموزش و فعالیت مذهبی گره خورده بود. خاطرات او از کودکی، سال‌های طلبگی، و روزهای پر حادثه پس از انقلاب، روایتی از روحانی‌ای به دست می‌دهد که مسجد، مدرسه و دانشگاه را میدان‌های پیوسته خدمت و تربیت می‌دانست.

■ **از کوچه‌های کن تا مسیر طلبگی**

محمدرضا مهدوی کنی در سال ۱۳۱۰ در روستای کن در خانواده‌ای مذهبی و ساده‌زیست به دنیا آمد. پدرش، اسدالله حاج‌باقری، کشاورزی می‌کرد و نانواپی سنگگی هم داشت. خاطرات نقل‌شده از مهدوی کنی، تصویری از کودکی‌ای آمیخته با فضای مذهبی، منبر و آیین‌های محلی به دست می‌دهد. او گفته بود از هفت هشت سالگی پای منبر عالمان کن می‌نشست و آنچه را شنیده بود برای مادرش بازگو می‌کرد؛ گاهی چادر مادر را به‌جای عبا بر دوش می‌انداخت و با تقلید از واعظان محل، منبر می‌رفت.

■ **کودکی در سایه منبر و تربیت پدرانه**

او همچنین از پدرش به‌عنوان فردی مقید به رعایت حق مردم یاد می‌کرد. در یکی از خاطرات کودکی‌اش، باز یگوشی او سبب شد الکی به سر یک پینه‌دوز بخورد. پدر بی‌آنکه ابتدا درباره عمدی یا سهوی بودن ماجرا پرس‌وجو کند، او را تنبیه و به فرزندانش سفارش کرد به کسی آزار نرسانند. در خاطره‌ای دیگر، مهدوی کنی از گفت‌وگوی پدر درباره تکلیف شرعی و آداب دوران بلوغ یاد می‌کند؛ گفت‌وگویی که نشان می‌دهد آموزش دینی در خانواده، تنها به مناسک محدود نبود و با تربیت و مسئولیت‌پذیری همراه می‌شد.

■ **از ۱۱ سالگی معلوم بود «ملا» خواهد شد**

به گفته خودش، در ۱۱سالگی در روزهای گرم ماه رمضان روزی می‌گرفت و پیش از اذان به پشت‌بام می‌رفت و مناجات می‌کرد. نخستین منبرش در حدود ۱۸سالگی در حسینیه محله میبانه کن بود: سخنرانی کوتاهی درباره یک مسئله شرعی، بخشی از خطبه‌ای از امام علی(ع) و روضه‌ای مختصر. بعدها معلم کلاس اولش را به یاد آورد که همان سال‌ها به او گفته بود «ملا» خواهد شد.

■ **از مدرسه لرزاده تا حجره‌های قم**

مهدوی کنی پس از تحصیلات ابتدایی، در سال ۱۳۲۴ به تحصیل علوم دینی رو آورد. مدتی در مدرسه سپهسالار ماند و سپس به مدرسه لرزاده رفت و نزد آیت‌الله علی‌اکبر برهان درس خواند. آیت‌الله مهدوی کنی در ۱۴سالگی، زمانی که هنوز نوجوانی بیش نبود با لباس عاری‌های از استاد خود معمم شد. البته بعدها توانست پارچه‌ای تهیه کند و نزد شیخ رجبعلی خیاط رفت تا برای او قبا بدوزد. شیخ رجبعلی خیاط به شیخ محمدرضای جوان تلنگری زد که: «می‌خواهی چکاره بشوی؟ طلبه بشوی یا آدم؟» این سؤال اگرچه در ابتدا برای طلبه جوان سنگین بود ولی تأثیر خود را گذاشت. شیخ محمدرضا مهدوی کنی تهذیب اخلاق را مقدم بر درس شمرد و از همین رو تا پایان عمر نماد اخلاق در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی شد.

او در سال ۱۳۲۷ برای ادامه تحصیل راهی قم شد و تا سال ۱۳۴۰ از استادان حوزه، دروس فقه و اصول، تفسیر، حکمت و کلام را آموخت. در میان استادان او از آیت‌الله بروجردی، امام خمینی، علامه طباطبایی و آیت‌الله گلپایگانی نام برده شده است. درخصوص این دوره آمده است او حدود سال ۱۳۳۰ در درس خارج حضرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی و امام‌راحل حضور یافت. به اعتقاد شیخ محمدرضا از میان دروس خارج آن زمان، تنها درس خارج آیت‌الله بروجردی و امام خمینی(ره) شاگردپرو بود و او نیز همراه با دیگر طلاب مستعد و درسخواو حوزه در این دو درس شرکت

خبر

همایش «مجاهدان در غربت» در حرم مطهر رضوی برگزار می‌شود



همایش بین‌المللی «مجاهدان در غربت» با موضوع استکبارستیزی در اندیشه امام شهید، ۱۱ و ۱۲ آبان در جوار حرم مطهر امام رضا(ع) برگزار خواهد شد.

دکتر عبدالحسین کلانتری، دبیر کمیته علمی اجلاسیه «مجاهدان در غربت» با اشاره به جزئیات این همایش، عنوان کرد: همایش بین‌المللی استکبارستیزی در اندیشه امام شهید در پنج محور «مبانی نظری و قرآنی استکبارستیزی در اندیشه امام شهید»، «تاریخ معاصر و استکبارستیزی در اندیشه امام شهید»، «راهبردها و راهبری مکتب امام شهید در مبارزه با استکبار»، «رسانه، افکار عمومی و جنگ نرم در جهت استکبارستیزی» و «استکبارستیزی و مسائل جهان اسلام» برگزار خواهد شد که متناسب با این موضوعات، نشست‌هایی را با حضور محققان، متفکران و اندیشمندان داخلی و خارجی برگزار خواهیم کرد.

وی با بیان اینکه دانشگاه‌ها، مجموعه‌های پژوهشی و سازمان‌ها و نهادهای مرتبط، حامی معنوی این رویداد هستند، افزود: این رویداد ۱۱ و ۱۲ آبان در محل بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در جوار حرم مطهر رضوی برگزار خواهد شد. کلانتری تصریح کرد: سعی خواهد شد از میان آثاری که برای این همایش ارسال شده، بهترین آثار و برترین عناوین را انتخاب کنیم و این آثار در نشست‌ها توسط سخنرانان و محققان ارائه شود. دبیر کمیته علمی اجلاسیه مجاهدان در غربت بیان کرد: در این اجلاسیه میزبان ۲۵ محقق و اندیشه‌پور برای سخنرانی خواهیم بود که بخشی از این مقالات و سخنرانی‌ها توسط میهمانان خارجی ارائه خواهد شد.

■ حرم مطهر رضوی: قطب مقاومت، مبارزه با استکبار و نظم‌خواهی

وی در بخش دیگری از سخنانش بیان کرد: ما بر این باوریم که یکی از نقاط درخشان و پررور اندیشه تابناک رهبر شهید، استکبارستیزی بوده است؛ این نقطه نورانی چنان چشمگیر است که می‌توان آن را از پیش از انقلاب اسلامی ردیابی کرد که پس از انقلاب، شدت و حدت آن کاملاً آشکارتر شده است. کلانتری عنوان کرد: این مقایله با استکبار فقط یک مقایله سیاسی نبود، بلکه مقابله در تمام ساحات بود و ایشان بر این باور بودند که مقابله با استکبار جزو مکتب تشیع است و بر همین اساس سعی می‌کردند این اندیشه را در تمام ساحات پیگیری کرده و آن را به‌مثابه پرچم درخشان جمهوری اسلامی در اقصی نقاط جهان طنین‌انداز کنند.

وی عنوان کرد: این همایش درصدد است این وجه اندیشه رهبر شهید را برجسته کند و نشان دهد سمت درست تاریخی که رهبر شهید انقلاب در آخرین سال‌های حیات به آن توجه داشتند و همه جهانیان را به آن سمت فراخوانده بودند، چه سمتی است.

کلانتری تأکید کرد: تدفین پیکر پاک رهبر شهید در جوار مضجع نورانی حضرت امام رضا(ع) که خود مجاهدی غریب بودند، جلوه ویژه‌ای به این همایش بخشیده و حرم مطهر رضوی را به قطب مقاومت، مبارزه با استکبار و نظم‌خواهی تبدیل کرده است.

مشهدالرضا(ع) میزبان ۳۲۰ نفر از خانواده‌های معظم شهدا و مجروحان لامرد



۳۲۰ نفر از خانواده‌های معظم شهدا و مجروحان شهرستان لامرد با دستور تولیت آستان قدس رضوی و در قالب طرح «مهر درخشان رضوی» بنیاد کرامت رضوی به مشهد مقدس مشرف شده‌اند.

به گزارش آستان نیوز، این گروه از زائران عصر دوشنبه چهارم آبان‌ماه وارد مشهد مقدس شدند و به مدت سه روز از برنامه‌های زیارتی، فرهنگی و خدمات رفاهی پیش‌بینی شده در این طرح بهره‌مند خواهند شد.

اسکان زائران در زائرسرای رضوی و تأمین خدمات پذیرایی، از جمله برنامه‌های تدارک دیده شده برای این سفر است. همچنین زیارت جمعی حرم مطهر امام رضا(ع)، حضور در مهمانسرای حضرت و بازدید از اماکن و موزه‌های آستان قدس رضوی در برنامه اقامت سه‌روزه این گروه قرار دارد.

این برنامه با هدف فراهم کردن فرصت زیارت، التیام روحی و بهره‌مندی از خدمات فرهنگی و رفاهی برای خانواده‌های معظم شهدا و مجروحان برگزار شده تا زائران در کنار تشرّف به بارگاه ملکوتی امام هشتم(ع)، با بخشی از ظرفیت‌های فرهنگی و تاریخی مجموعه آستان قدس رضوی نیز آشنا شوند.

گفتنی است، طرح «مهر درخشان رضوی» با پشتیبانی بنیاد کرامت رضوی، زمینه حضور گروه‌های مختلف اجتماعی در مشهد مقدس و بهره‌مندی آنان از خدمات زیارتی را فراهم می‌کند؛ اقدامی در مسیر گسترش فرهنگ زیارت و تسهیل تشرّف زائرانی که فرصت کمتری برای سفر به بارگاه منور رضوی دارند.